341094 ـ چگونه می‌توان میان رقابت در امر خیر، و خیرخواهی برای دیگران توافق ایجاد کرد؟

سوال

چگونه می‌توان میان حدیث رسول الله ـ صلی الله علیه وسلم ـ که می‌فرماید: «کسی از شما ایمان نمی‌آورد تا آن‌که برای برادرش همان چیزی را دوست داشته باشد که برای خودش دوست دارد» و این سخن الله متعال که: وَفِي ذَلِكَ فَلْيَتَنَافَسِ الْمُتَنَافِسُونَ (و در این [پاداش‌ها] باید که مشتاقان از یکدیگر پیشی بجویند) توافق ایجاد کرد؟

پاسخ مفصل

الحمدلله.

اولا:

یکی از آداب مسلمان همان چیزی است که الله تعالی و پیامبرش ـ صلی الله علیه وسلم ـ دربارۀ اهمیت برادری میان مؤمنان به آن راهنمایی کرده‌اند. چنان‌که الله سبحانه و تعالی می‌فرماید:

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ [حجرات: ۱۰]

(همانا مؤمنان برادر یکدیگرند).

ثانیا:

میان این سخن الله تعالی که وَفِي ذَلِكَ فَلْيَتَنَافَسِ الْمُتَنَافِسُونَ [مطففین: ۲۶] و آن‌چه از پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ روایت شده است که «کسی از شما ایمان نمی‌آورد مگر آن‌که برای برادرش ـ یا فرمود: همسایه‌اش ـ همان چیزی را دوست داشته باشد که برای خودش دوست می‌دارد» [به روایت بخاری: ۱۳ و مسلم: ۴۵ و این لفظ مسلم است] تعارض و تضادی نیست.

علما در پاسخ برای از بین بردن این تعارض آرایی چند دارند:

نخست: این‌که حدیث فوق دربارۀ امور دنیاست و آیه دربارۀ امور آخرت است. نگا: «صحیح مسلم بشرح الأبی السنوسی» (۱/ ۲۴۴).

دوم: گفته شده منظور از آن دوست داشتن خیر به طور کلی و اجمالی است، بدون جزئیاتی از خیرات که شخص برای خودش می‌خواهد. ابن جوزی ـ رحمه الله ـ می‌گوید: «اگر گفته شود: چگونه می‌توان چنین چیزی را تصور کرد حال آن‌که هر کسی خودش را در آن‌چه برگزیده [بر دیگران] مقدم می‌دارد و دوست دارد که در فضایل از دیگران پیشی بگیرد و عمر نیز تلاش داشت از ابوبکر سبقت بگیرد؟ پاسخ این است که: منظور حصول خیر به طور کلی و دور ساختن شر به شکل کلی است، بنابراین شایسته است که انسان آن را همان‌طور که برای خودش می‌خواهد برای برادرش نیز بخواهد، اما آن‌چه از فضایلِ افزوده و مناقب والاست، اشکالی ندارد که دربارهٔ آن بخواهد از دیگران سبقت بجوید» (کشف المشکل من حدیث الصحیحین: ۳/ ۲۲۲). همچنین «القبس شرح الموطأ» ابن العربی (۹۲۹) و «المسالك شرح الموطأ» (۶/ ۴۰۹ـ۴۱۷) را ببینید.

سوم: این‌که این امری است برای انجام طاعت بیشتر و سبقت جستن باعث بیشتر شدن مشارکت در انجام خیر می‌شود و حدیث فوق امر دنیا و آخرت را با هم در بر می‌گیرد، بنابراین مؤمن این را بد نمی‌داند که کسی در این امر با او مشارکت کند، بلکه دوست دارد همهٔ مردم در این امر با او رقابت کنند و آنان را تشویق به آن می‌کند و این از کامل بودن ادای نصیحت برای اهل ایمان است.

ابن رجب در «جامع العلوم والحکم» (۱/ ۳۲۷ـ۳۳۵) می‌گوید:

«منظور آن است که از جملهٔ خصلت‌های واجب ایمانی این است که شخص برای برادرش همان چیزی را دوست بدارد که برای خودش دوست می‌دارد و همان چیزی را که برای خودش نمی‌پسندد برای او نیز نپسندد، پس اگر این خصلت را از دست بدهد ایمانش ناقص می‌شود.

و همهٔ این‌ها از سالم بودن کامل سینه از غل و غش و حسد می‌آید، زیرا حسد موجب می‌شود که حسود بدش بیاید که کسی در خیری از او بالاتر یا هم سطح او باشد؛ زیرا دوست دارد که با فضایل خود از مردم متمایز گردد و تک باشد، اما ایمان خلاف آن را می‌طلبد یعنی آن‌که همهٔ مؤمنان در خیری که خداوند به او عطا کرده با وی شریک باشند، بدون آن‌که چیزی از این خیر او کم شود.

به طور کلی برای مؤمن شایسته آن است که برای مؤمنان همان چیزی را بخواهد که برای خودش می‌خواهد و آن‌چه را برای خودش نمی‌پسندد برای آنان نیز نپسندد، پس اگر در برادر مسلمانش نقصی در دینش دید، در راه اصلاح آن تلاش کند.

با همهٔ این‌ها، برای مؤمن شایسته آن است که برای از دست دادن فضایل دینی اندوهگین شود. برای همین امر شده تا در امر دین به بالاتر از خود بنگرد و تلاش خود را برای رقابت در طلب آن خرج کند، چنان‌که الله تعالی می‌فرماید:

وَفِي ذَٰلِكَ فَلْيَتَنَافَسِ الْمُتَنَافِسُونَ [مطففین: ۲۶]

(و در این [پاداش‌ها] باید که مشتاقان از یکدیگر پیشی بجویند).

و برای این‌که کسی در این امر با او شریک است ناراحت نشود و از او بدش نیاید بلکه دوست داشته باشد که همهٔ مردم در این امر با او رقابت کنند و آنان را برای آن تشویق نماید و این از کمال ادای نصیحت برای برادران است.

فُضیل می‌گوید: اگر تو دوست داشته باشی که مردم مانند تو باشند، برای برادرت خیرخواهی نکرده‌ای، چه رسد به آن‌که دوست داری کمتر از تو باشند؟!

این اشاره‌ای است به این‌که ادای نصیحت و خیرخواهی برای آنان این است که دوست داشته باشد آنان بالاتر از او باشند و این منزلتی است والا و درجه‌ای است بالا در نصیحت که البته واجب نیست، بلکه در شرع به این امر شده که دوست داشته باشد مانند او باشند، با این حال اگر کسی در فضیلتی دینی از او بالاتر بود تلاش کند تا به او برسد و بر تقصیر و کوتاهی خودش و به سبب جا افتادن از سابقان اندوهگین شود و این نه از روی حسادت به آنان به سبب فضلی است که الله عزوجل به آنان عطا کرده، بلکه برای رقابت با آنان و غبطه خوردن و اندوهگین شدن بر نفس خود به سبب کوتاهی و جا افتادنش از درجات سابقان است.

و برای مؤمن شایسته آن است که همواره خودش را از درجات والا مقصر و در کوتاهی ببیند و این‌گونه به دو امر والا دست یابد: تلاش در طلب فضایل و افزون‌خواهی در آن و نگاه به نفس خود با چشم نقص.

آن‌چه از این نگاه به وجود می‌آید این است که دوست داشته باشد مؤمنان از او بهتر باشند زیرا خشنود نمی‌شود که آنان نیز در حالتی مانند او باشند همان‌طور که برای خودش نیز حالی که در آن قرار دارد را نمی‌پسندد بلکه در راه اصلاح آن تلاش می‌کند. محمد بن واسع خطاب به فرزندش گفت: «اما پدرت، خداوند در مسلمانان امثال او را بسیار نگرداند».

آن‌که از نفس خودش راضی نیست، چگونه ممکن است خیرخواه آنان باشد و در عین حال دوست داشته باشد که مانند او باشند؟ حال آن‌که دوست دارد بهتر از آن‌چه که هست شود؟».

همچنین نگا: «فتح الباری» ابن رجب (۱/ ۴۵).

والله اعلم